

آیا دانشجویان دانشگاه رازی کارآفرین خواهند شد؟

امیر حسین علی بیگی، استادیار دانشگاه رازی و عضو مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی-اجتماعی دانشگاه رازی
کیومرث زرافشانی، استادیار دانشگاه رازی و عضو مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی-اجتماعی دانشگاه رازی

چکیده :

این تحقیق توصیفی-همبستگی به منظور تحلیل میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه رازی انجام شد. دانشجویان کارشناسی دانشگاه رازی جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند که تعداد ۳۸۰ نفر از آن‌ها بر اساس جدول کرجسی و مورگان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. بر اساس یافته‌ها، نزدیک به نیمی از دانشجویان دانشگاه رازی از نظر میزان روحیه‌ی خودکارآمدی در سطح پایین قرار دارند. روحیه کارآفرینی دانشجویان در زمینه‌های استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و در زمینه ریسک‌پذیری پایین‌تر از حد میانگین است. تفاوتی بین میزان استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و خلاقیت دانشجویان سال اول و آخر وجود ندارد ولی میزان کنترل درونی و انگیزه پیشرفت دانشجویان سال آخر از دانشجویان سال اول کمتر است. دانشجویان پسر نیز نسبت به دختران استقلال طلب‌تر و ریسک‌پذیرتر هستند. دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه نیز از نظر میزان روحیه کارآفرینی اختلاف معنی‌داری با هم ندارند. بین روحیه کارآمدی و روحیه کارآفرینی هم رابطه مثبت معنی‌داری حاکم است.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، کارآمدی، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، دانشجو.

مقدمه :

کارآفرینی واژه‌ای است بین‌رشته‌ای که توسط زمینه‌های علمی گوناگون و از دیدگاه‌های متفاوت مورد مطالعه قرار گرفته است. بعضی از مفاهیم پردازی‌های کارآفرینی، براساس سازه‌های روانشناسانه نظیر ویژگی‌های شخصیتی بوده است. مدل‌های رفتاری توجه بر رفتار کارآفرین دارند نه خود شخص کارآفرین (گارتنر، ۱۹۸۹). مدل‌های اقتصادی بیشتر مفاهیمی نظیر "ریسک"، "عدم قطعیت" و "سود" را مورد توجه قرار داده‌اند. تئوری‌پردازان مدیریت و بازرگانی سازه‌های سازمانی و اکولوژیکی را مورد توجه قرار داده‌اند (روبینز، ۱۹۸۷).

به نقل از "سولی‌موسی و هیسریش" (۱۹۹۸)، کارآفرین فردی خوداشتغال است که از قدرت پیش‌بینی اقتصادی خوبی برخوردار بوده، تمایل به ریسک داشته و از این طریق سود یا ضرر می‌کند و در نتیجه به تعادل و پایداری اقتصاد بازار کمک می‌کند. این تعریف نشان می‌دهد که نقطه تمرکز این افراد شخص کارآفرین بوده و برای او عملکرد اقتصادی کارآفرین از ویژگی و رفتار اهمیت بیشتری دارد.

"اسکندری" (۱۳۸۵) به نقل از شومپیتر (۱۹۳۴) کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در تولید اقتصادی می‌داند و معتقد است که نقش کارآفرین عبارت است از نوآوری یا "ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد". او کارآفرینی را فرایند "تخریب خلاق" می‌داند. منظور از "تخریب خلاق" این است که فرد از طریق به‌کارگیری خلاقیت و نوآوری خود و پیدایش روش جدید، بازار جدید، واحد جدید، و یا تولید و محصول جدید ساختارهای کنونی بازار را درهم می‌ریزد و یک ساختار سودآور و پردرآمد به سود خود ایجاد می‌کند. شومپیتر می‌گوید که این عمل اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه فرد مذکور دارای یک سری ویژگی‌ها و رفتارهای خاص و ویژه باشد. از نظر شومپیتر داشتن دو ویژگی مهم نوآوری و خلاقیت از سوی فرد کارآفرین همراه با گرایش و تمایل فرد به پاسخ دادن به تغییرات اقتصادی باعث می‌گردد تا فرد کارآفرین از طریق گشایش یک بازار تازه یا شعبه تازه با روش تازه و نو و یا تولید یک محصول یا خدمت جدید، ساختارهای موجود بازار را برهم بزند و یک ساختار جدید ایجاد نماید.

امروزه محققان به نقل از اسکندری (۱۳۸۵) عمدتاً بر "فرآیند و زمینه‌ای که کارآفرینی در آن اتفاق می‌افتد؛ توجه می‌کنند (هنری و دیگران، ۲۰۰۳). گارتنر (۲۰۰۲) آنرا فرآیند راه‌اندازی یک سازمان جدید می‌نامد. "هیسریش و پیتر" (۱۹۹۲) آنرا فرآیند ایجاد چیزی متفاوت و ارزشمند تعریف می‌کنند که طی آن فرد از طریق اختصاص دادن تلاش و زمان ضروری و قابل ملاحظه و پذیرفتن ریسک مالی، فیزیکی و اجتماعی به سود مالی و نیز رضایت شخصی می‌رسند (ص ۶). سکستون و

”ومان“ (۱۹۹۱)، کارآفرینی را فرآیند شناسایی یک فرصت در بازار و بهره‌برداری از آن از طریق جمع‌آوری منابع موردنیاز جهت راه‌اندازی و عملیاتی کردن آن فرصت می‌دانند و می‌گویند که هدف فرد از این عملیات به دست آوردن و دستیابی به اهداف شخصی و درازمدت است.

به طور کلی برای واژه‌های ”کارآفرین“ و ”کارآفرینی“ دامنه وسیعی از تعریف‌های مختلف وجود دارد. ارائه یک تعریف واحد هم وجود ندارد. زیرا دامنه وسیعی از تعاریف از راه‌اندازی یک کسب‌وکار گرفته تا به کارگیری ویژگی‌ها و رفتارهای منحصر به فرد و ارزش آفرین و نوآوری مورد استفاده قرار گرفته است. از طرف دیگر، بررسی ادبیات موضوع بیانگر آن است که در محیط‌ها و زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی، محققان براساس شرایط خاص محیط مورد مطالعه تعریف مفهومی و عملیاتی ویژه‌ای را ارائه کرده‌اند (هنری و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۳۰).

نظریه‌های مختلفی در زمینه کارآفرینی وجود دارد. این در پاسخ به سؤال ”چرا بعضی افراد نسبت به بقیه کارآفرینانه‌تر هستند؟“ شکل گرفته و توسعه یافته‌اند که به شرح زیر می‌باشند: (۱) تئوری ویژگی‌های شخصیتی یا روانشناسانه؛ (۲) تئوری اقتصادی؛ (۳) تئوری رفتاری؛ (۴) تئوری جامعه‌شناسانه؛ (۵) تئوری شناختی؛ و (۶) تئوری تلفیقی (اکولوژیکی).

نظریه ویژگی‌های روانشناسانه، رهیافتی است که بیشتر از سایر رهیافت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در این رهیافت ویژگی‌های روانشناسی نظیر ”نیاز به توفیق و پیشرفت“، ”گرایش به ریسک‌پذیری“ و ”مرکز کنترل درونی“ به عنوان ویژگی‌هایی که بیشتر در کارآفرینان ظهور پیدا می‌کند، مورد توجه قرار گرفته است (سکستون و بومان، ۱۹۹۱).

نظریه اقتصادی قدیمی‌ترین نظریه‌ای است که در این رابطه مطرح گردیده است. پایه تئوری اقتصادی مفهوم ”عرضه و تقاضا“ می‌باشد. تصور فرد از وجود عدم تعادل میان عرضه و تقاضا منجر به شکل‌گیری شرایطی می‌شود که باعث بروز رفتار کارآفرینانه در افراد می‌گردد. توجیه کیرزنز (۱۹۷۹) در این زمینه این است که در حالت تعادل میان عرضه و تقاضا، قیمت‌ها و کمیت‌ها تغییر نمی‌کنند. ولی وقتی که عدم تعادل بوجود می‌آید باعث می‌گردد تا فرصت‌های مساعدی در بازار بوجود بیاید که خیلی‌ها آن را نمی‌بینند. افراد کارآفرین این فرصت‌ها را زودتر از بقیه شناسایی نموده و از طریق بهره‌برداری از آن ”سود“ کسب می‌کنند.

در قالب نظریه رفتاری، کارآفرینی به عنوان یک ”رفتار“ نگریسته می‌شود نه این که چه کسی کارآفرین است (هنری و دیگران، ۲۰۰۳؛ گارتنر، ۱۹۸۹). همانگونه که گارتنر (۱۹۸۹) بیان می‌دارد، طرفداران رهیافت رفتاری معتقد هستند که ویژگی‌های شخصی کارآفرین بسیار کم‌اهمیت‌تر از رفتار کارآفرینانه هستند. این نظریه، فرآیند کارآفرینی را فرآیندی پیچیده دانسته که قویاً تحت تأثیر محیط و زمینه است. سکستون و بومان (۱۹۹۱) می‌گویند که کارآفرینی فرآیندی است که با شناسایی یک فرصت شروع گردیده و با بهره‌برداری موفقیت‌آمیز و مداوماً در حال رشد از آن فرصت خاتمه می‌یابد.

طرفداران نظریه جامعه‌شناسانه، سعی بر آن دارند تا برای تبیین پدیده کارآفرینی از مدل‌های جامعه‌شناسانه استفاده نمایند. در این رهیافت ”محیط“ نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه دارد. به عنوان مثال رایینز (۱۹۹۳) مدلل می‌سازد که عوامل و سازه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و قومی اثر فراوانی بر ظهور و پیدایش کارآفرینی دارند. در این رهیافت نقش ویژگی‌های دموگرافیکی شامل خانواده و ترکیب آن، الگوی نقش، آموزش، تجارب قبلی، ساختار جامعه، موقعیت اجتماعی و سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بیشتر از ویژگی‌های اقتصادی و یا روانی مورد توجه قرار می‌گیرد (اسکندری، ۱۳۸۵).

براساس نظریه شناختی، در حالیکه برخی ویژگی‌های شخصی - روانی ممکن است در تصمیم‌گیری فرد در جهت کارآفرینی اثرگذار باشد، اما نکته بسیار مهم‌تر این است که فرآیند تصمیم‌گیری که منجر به بروز یا عدم بروز رفتار کارآفرینانه می‌گردد، مورد بررسی قرار گیرد.

بعد از آنکه محققان به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان تنها براساس یک مدل و الگوی منفرد، کارآفرینی را تبیین نمود، تلاش‌ها برای پیشنهاد مدل‌های تلفیقی و یکپارچه که در آن به جای تمرکز بر تنها یک الگوی خاص، بر رهیافت‌های متعددی معطوف می‌گردد؛ آغاز گردید. متعاقب این تلاش‌ها مدل‌های گوناگونی پیشنهاد گردید که براساس زمینه تخصصی کارآفرینی و شرایط محیطی مورد مطالعه، متعدد هستند. در این رهیافت که اکولوژیکی نیز نامیده می‌شود، عوامل و عناصر متعددی برای تبیین فرآیند کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود که شامل ویژگی‌های شخصیتی - فردی؛ ویژگی‌های دموگرافیکی؛ مهارت‌های فنی - تخصصی؛ توانمندی‌های کارآفرینانه؛ عوامل فرهنگی؛ سیاسی؛ اقتصادی؛ و برنامه‌های حمایتی دولت می‌گردد. همچنین اعتقاد

بر این است که نمی توان تنها یک مدل یکپارچه از کارآفرینی ارائه نمود. بلکه شرایط اقتصادی - اجتماعی، محیطی و نیز محیط اقتصادی و فنی - تخصصی مختلف نیازمند مدلها و الگوهای خاص خود هستند. در این رهیافت سعی بر آن است تا از یک دیدگاه محیطی به پدیده کارآفرینی نگریسته شود.

بر اساس مطالب مذکور در مورد نظریه های مختلف کارآفرینی، در این تحقیق بیشتر نظریه ویژگی های روان شناختی مورد نظر بوده است که در ادامه به برخی از نتایج پژوهش های مرتبط با بررسی این ویژگی ها در دانشجویان که موضوع اصلی این تحقیق نیز می باشد، اشاره می شود.

مک کلند (۱۹۶۱) ویژگی های تشکیل دهنده روحیه کارآفرینی را شامل انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، کنترل درونی، خلاقیت و استقلال طلبی می داند. براساس تحقیقات انجام شده، پرورش ویژگی های ذکر شده در افراد باعث تقویت قابلیت های کارآفرینی آنان می شود.

"دراکر" (۱۹۹۸) معتقد است که خلاقیت و نوآوری با کارآفرینی لازم و ملزوم یکدیگرند، به حدی که کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد. سولومون (به نقل از فارسی، ۱۹۹۹) با بررسی ۱۵۰ کارآفرین به این نتیجه رسید که انگیزه کارآفرینان در شروع به کار، تصمیم به خلق چیزهای نو، بدیع و متفاوت است و سود اقتصادی انگیزه و محرک اولیه رفتار کارآفرینان نبوده است. در همین ارتباط شاین (۱۹۹۴) نیز عنوان کرده است که کارآفرینان واقعی مشاغل جدید را بیشتر به دلایل نوآوری و خلاقیت شروع می کنند تا انگیزه های اقتصادی. هم چنین، هوارد (۲۰۰۴) در پژوهشی تاثیر توسعه قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و اعتماد به نفس و جسارت خلاقیت) را بر کارآفرینی ۴۵۰ نفر بررسی کرد و نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی بین این ویژگی ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد. هم چنین، ریسال (۱۹۹۲) نیز در پژوهشی خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی روحیه کارآفرینانه عنوان کرده است.

در پژوهش های دیگری که در ارتباط با منبع کنترل و کارآفرینی افراد انجام شده است، کارآفرینان دارای مرکز کنترل درونی توصیف شده اند. احمد (۱۹۸۵) نشان داد که افراد کارآفرین دارای کنترل درونی، تمایل به ریسک پذیری و انگیزه پیشرفت هستند. آرشید (۱۳۶۷) نیز نتیجه گرفته است که کارآفرینان موفق، موفقیت خود را به عواملی چون تلاش و توانایی های فردی خود نسبت می دهند. پوستیگو (۲۰۰۲) نیز بیان کرد که از نظر دانشجویان مهم ترین دوره ها برای آموزش کارآفرینی دوره های آموزش خلاقیت و نوآوری است.

"عزیزی" (۱۳۸۲) در بررسی زمینه های پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی نتیجه گرفته است که بین متغیرهای اعتقاد به کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، استقلال طلبی و خلاقیت دانشجویان با کارآفرینی آنان رابطه معنی داری وجود دارد. برومند نسب (۱۳۸۱) نیز به بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران پرداخت. پژوهش وی نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. پارایی (۱۳۸۳) در مطالعه ای دیگر با بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران صنایع از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک پذیری دانشجویان از مدیران بالاتر بوده است. هزارجریبی (۱۳۸۲) در پژوهشی دیگر نشان داده است که بین کارآفرینی و دوره های آموزش مهارت های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس مطالب مذکور، این تحقیق در پی تعیین میزان وجود ویژگی های روحیه کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه رازی و تفاوت بین این ویژگی ها در دانشجویان دختر و پسر، سال اول و سال آخر و دانشجویان دانشکده های مختلف است.

روش تحقیق

روش این تحقیق، کمی و به لحاظ روش های دستیابی به حقایق و داده پردازی، از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان کارشناسی در دانشگاه رازی (روزانه، شبانه، دختر و پسر) تشکیل دادند. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده شد. عامل طبقه بندی نوع دانشکده ای بود که دانشجویان در آن مشغول به تحصیل هستند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۸۰ نفر برآورد شد. به منظور تکمیل پرسشنامه ها، ابتدا تعداد ۱۰ نفر پرسشگر مجرب، انتخاب و در یک کارگاه آموزشی نیم روزه نسبت به آموزش توجیهی آن ها در مورد اهداف

تحقیق، سئوالات پرسشنامه، نکات لازم الرعایه هنگام پرسشگری و ... اقدام شد. سپس با هماهنگی های کامل به عمل آمده از طریق گروه های آموزشی مقرر گردید پرسشگران به گروه های منتخب مراجعه و نسبت به تکمیل پرسشنامه ها اقدام نمایند. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات بخش میدانی تحقیق، پرسشنامه بود. پرسشنامه شامل چهار قسمت نامه همراه، مقیاس سنجش میزان انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت، ریسک پذیری و استقلال طلبی و خودکارآمدی و ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان بود. برای سنجش مقیاس سنجش میزان انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت، ریسک پذیری و استقلال طلبی از پرسشنامه ۵۵ گویه ای بدری و همکاران (۱۳۸۵) استفاده شد. این پرسشنامه هم از تعدیل و مناسب سازی مقیاس های خلاقیت تورنس، انگیزه پیشرفت هرمنس، کنترل درونی راتر و استقلال طلبی و ریسک پذیری هیسریچ و پیترز که روی هم رفته شامل ۱۳۰ سؤال می باشد، حاصل شده است (بدری و همکاران، ۳۸۵). برای اندازه گیری خودکارآمدی دانشجویان نیز از مقیاس بندورا (۱۹۷۷) استفاده شد. این مقیاس به زبان فارسی ترجمه و به منظور برآورد پایایی^۱ آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان این ضریب برابر ۰/۷۹ به دست آمد که مقدار مناسبی می باشد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۵۵ سئوالی بدری و همکاران (۱۳۸۵) نیز که با تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط دانشجویانی مشابه جامعه آماری تحقیق و محاسبه ضریب مذکور به دست آمد برابر ۰/۸۵ شد.

یافته ها

ویژگی های فردی دانشجویان

از بین دانشجویان شرکت کننده در تحقیق ۶۳/۱ درصد (۲۰۲ نفر) زن و ۳۶/۹ درصد نیز (۱۱۸ نفر) مرد بودند. براساس یافته ها ۴۸/۴ درصد از افراد مورد مطالعه دانشجوی سال اول و ۵۱/۶ درصد نیز دانشجوی سال آخر بودند.

میزان روحیه خود کار آمدی

میانگین میزان روحیه خود کار آمدی در بین افراد شرکت کننده در تحقیق برابر ۱/۵۶ از ۳ محاسبه شد (انحراف معیار = ۰/۴۹). این عدد نشان می دهد که در کل دانشجویان مورد نظر تا حدودی خود کار آمد هستند. براساس محاسبات انجام شده می توان گفت که ۲/۲ درصد از دانشجویان مورد بررسی به هیچ وجه خود کار آمد نیستند. ۴۸/۱ درصد دارای روحیه خود کارآمدی کم، ۴۶/۹ درصد دارای خود کار آمدی در حد متوسط و مابقی (۲/۸ درصد) دارای روحیه خود کار آمدی در حد زیاد می باشند (جدول ۲).

جدول ۱. توزیع فراوانی میزان خود کار آمدی دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
در حد صفر	۷	۲/۲	۲/۲
کم	۱۵۴	۴۸/۱	۵۰/۳
متوسط	۱۵۰	۴۶/۹	۹۷/۲
زیاد	۹	۲/۸	۱۰۰

میزان روحیه کار آفرینی دانشجویان

برای سنجش میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه رازی پنج متغیر استقلال طلبی، ریسک پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان در نظر گرفته شد که یافته های حاصل از هر کدام در ادامه آورده می شود.

میزان روحیه استقلال طلبی

به منظور بررسی میزان روحیه استقلال طلبی دانشجویان از یک آزمون ۷ گویه ای دو گزینه ای استفاده شد. میانگین امتیاز استقلال طلبی دانشجویان ۴/۰۷ از ۷ بر آورد شد (انحراف معیار = ۱/۱۸). براساس محاسبات انجام شده می توان گفت که در کل این روحیه در بین دانشجویان کمی بیش از حد متوسط (۳/۵) است.

¹ Reliability

جدول ۲. توزیع فراوانی میزان روحیه استقلال طلبی دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۶	۱/۹	۱/۹
کم	۷۸	۲۴/۹	۲۶/۸
متوسط	۱۹۴	۶۲	۸۸/۸
زیاد	۳۵	۱۱/۲	۱۰۰

براساس جدول ۲، حدود ۲ درصد از دانشجویان دارای روحیه استقلال طلبی نیستند. همان گونه که ملاحظه می شود نما برابر با میزان روحیه استقلال طلبی در حد متوسط است. میانه نیز در همین بود. تنها ۱۱/۲ درصد از دانشجویان ابراز کرده اند که دارای روحیه استقلال طلبی زیادی هستند.

میزان روحیه ریسک پذیری

میانگین امتیاز ریسک پذیری دانشجویان از ۸ عدد ۳/۴۲ (انحراف معیار=۱/۸۴) را به خود اختصاص داد. این عدد از حد نمره معیار که ۴ باشد پایین تر است. بنابراین در کل میزان ریسک پذیری دانشجویان دانشگاه کمتر از حد متوسط است. انحراف معیار نیز بالاست. بنابراین می توان گفت همسانی و همگنی در بین دانشجویان از نظر ریسک پذیر بودن وجود ندارد. در این مورد میانه برابر با ۳ و نما برابر با ۴ محاسبه شد. توزیع فراوانی میزان ریسک پذیری در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی میزان ریسک پذیری دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۱۰۸	۳۴	۳۴
کم	۱۲۹	۴۰/۶	۷۴/۵
متوسط	۶۷	۲۱/۱	۹۵/۶
زیاد	۱۶	۴/۴	۱۰۰

براساس جدول ۳، ۳۴ درصد از دانشجویان ریسک پذیر نیستند. میزان ریسک پذیری برای ۴۰/۶ درصد نیز در حد نا چیز است و صرفاً ۴/۴ درصد دارای روحیه ریسک پذیری می باشند. لزوم توجه به دلایل ریسک پذیر نبودن دانشجویان از مسایل قابل توجه مسئولان دانشگاه به نظر می رسد.

میزان کنترل درونی

میانگین میزان کنترل درونی در بین دانشجویان ۷/۶۷ از ۱۴ محاسبه شد (انحراف معیار=۲/۵) میانگین و نما به ترتیب برابر با ۸ و ۶ بود. می توان گفت که نمره کنترل درونی دانشجویان قدری از حد معیار که برابر با ۷ است بیشتر می باشد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نمره کنترل درونی دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۱۰	۳/۲	۳/۲
کم	۱۴۳	۴۴/۹	۴۸/۱
متوسط	۱۴۹	۴۶/۸	۹۴/۹
زیاد	۱۷	۵/۷	۱۰۰

براساس جدول ۴، ۴۸/۱ درصد از دانشجویان دارای کنترل درونی در حد هیچ تا کم هستند. میزان کنترل درونی ۴۶/۱ درصد نیز در حد متوسط می باشد.

میزان انگیزه‌ی پیشرفت

به منظور بررسی میزان انگیزه پیشرفت از یک آزمون ۷ گویه ای استفاده شد. میانگین میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان ۱۷/۷۵ محاسبه شد (انحراف معیار = ۳/۶۶). این میانگین از نمره معیار که ۱۵/۵ می‌باشد بالاتر است و بنابراین می‌توان گفت که انگیزه پیشرفت این افراد کمی بیش از حد متوسط است و تا حدی توفیق طلب هستند. بر اساس جدول ۵ می‌توان گفت میزان انگیزه پیشرفت ۱۵ درصد در حد کم، ۷۰/۶ درصد در حد متوسط و ۱۴/۴ درصد در حد زیاد است و خوشبختانه انگیزه پیشرفت و توفیق طلبی هیچ یک از دانشجویان در حد صفر برآورد نشده است (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع فراوانی میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۰	۰	۰
کم	۴۸	۱۵	۱۵
متوسط	۲۲۶	۷۰/۶	۸۵/۶
زیاد	۴۶	۱۴/۴	۱۰۰

میزان خلاقیت

به منظور آزمون میزان خلاقیت دانشجویان از یک آزمون ۱۴ گویه ای دو گزینه ای استفاده شد. میانگین محاسبه شده میزان خلاقیت عدد ۲۹/۴ را به خود اختصاص داد (انحراف معیاری ۴/۸) که نسبت به نمره معیار (عدد ۲۱) بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان مورد نظر از نظر قدرت خلاقیت در وضعیت خوبی به سر می‌برند. در این مورد نما برابر ۲ و میانه ۲/۱۴ است.

جدول ۶. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانشجویان

میزان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۳	۰/۹	۰/۹
متوسط	۱۲۸	۳۹/۸	۴۰/۸
زیاد	۱۸۹	۵۹/۲	۱۰۰

بر اساس جدول ۶، میزان خلاقیت تنها کمتر از یک درصد دانشجویان در حد کم است. این میزان برای ۳۹/۸ درصد در حد متوسط و برای ۵۹/۲ درصد در حد زیاد برآورد شد.

بررسی میزان معنی داری اختلاف روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان با نمره معیار

نمره معیار برای هر یک از متغیرهای پنج گانه سنجش روحیه کارآفرینی دانشجویان از طریق محاسبه نمره متوسط هر متغیر در پرسشنامه مربوط به دست آمد. در جدول ۷، میانگین و انحراف معیار و نمره معیار دانشجویان در متغیرهای مورد بررسی آورده شده است.

جدول ۷. میانگین و انحراف معیار و نتایج آزمون t مربوط به متغیرهای روحیه کار آفرینی

دانشجویان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	نمره معیار	t	df	sig
استقلال طلبی	۴/۰۷	۱/۱۸	۳/۵	۸/۵۹	۳۱۲	۰/۰۰۰
ریسک پذیری	۳/۴۲	۱/۸۴	۴	-۵/۶۳	۳۱۸	۰/۰۰۰
کنترل درونی	۷/۶۷	۲/۵	۷	۴/۸۴	۳۱۶	۰/۰۰۰
انگیزه پیشرفت	۱۷/۷۵	۳/۶۶	۱۵/۵	۱۱/۰۲	۳۱۹	۰/۰۰۰
خلاقیت	۲۹/۴	۴/۸	۲۱	۳۱/۲۹	۳۱۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۷، نشان می دهد که میانگین نمره استقلال طلبی دانشجویان از نمره معیار بالاتر است و این مقدار در سطح ($P=۰/۰۰۰$ و $t=۸/۵۹$) معنادار است. بنابراین روحیه استقلال طلبی دانشجویان دانشگاه رازی از حد میانگین بالاتر است. در ضمن میانگین روحیه ریسک پذیری دانشجویان ۳/۴۲ است که از میزان متوسط نمره معیار ۴ پایین تر است که این مقدار در سطح ($p=۰/۰۰۰$ و $t=-۵/۶۳$) معنادار است. بنابراین میزان ریسک پذیری دانشجویان دانشگاه رازی از حد میانگین پایین تر است. به علاوه میانگین نمره کنترل درونی دانشجویان از میزان متوسط نمره معیار ۷ بالاتر است که این مقدار در سطح ($p=۰/۰۰۰$ و $t=۴/۸۴$) معنادار است. بنابراین دانشجویان دانشگاه رازی بیشتر به منبع کنترل درونی تمایل دارند. هم چنین میانگین نمره انگیزه پیشرفت دانشجویان (۱۷/۷۵) از نمره معیار ۱۵/۵ بالاتر است که این مقدار در سطح ($p=۰/۰۰۰$ و $t=۱۱/۰۲$) معنادار است. بنابراین دانشجویان دانشگاه رازی دارای انگیزه پیشرفت هستند. در نهایت میانگین نمره خلاقیت دانشجویان که ۲۹/۴ از نمره معیار ۲۱ بالاتر است و این مقدار در سطح ($p=۰/۰۰۰$ و $t=۳۱/۲۹$) معنادار است. بنابراین میزان خلاقیت دانشجویان دانشگاه رازی بالاتر از حد میانگین است. براساس نتایج مذکور صرفاً میزان ریسک پذیری دانشجویان دانشگاه رازی از حد متوسط پایین تر است و در بقیه موارد روحیه کار آفرینی دانشجویان بیش از حد متوسط می باشد.

بررسی اختلاف بین دانشجویان سال اول و سال آخر از نظر وجود روحیه کار آفرینی

در جدول ۸ میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای روحیه کار آفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر آمده است: جدول ۸. میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای روحیه کار آفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر

متغیر	دانشجویان سال اول		دانشجویان سال آخر	
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد
استقلال طلبی	۱۵۵	۴/۰۴	۱/۲۰	۱۶۵
ریسک پذیری	۱۵۵	۳/۲۸	۱/۸۹	۱۶۵
کنترل درونی	۱۵۵	۷/۹۷	۲/۶۰	۱۶۵
انگیزه پیشرفت	۱۵۵	۱۸/۱۸	۳/۶۳	۱۶۵
خلاقیت	۱۵۵	۲۹/۱۱	۵/۴۰	۱۶۵

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می شود میزان استقلال طلبی، کنترل درونی و انگیزه پیشرفت دانشجویان سال اول از دانشجویان سال آخر بیشتر است. لکن دانشجویان سال آخر از نظر ریسک پذیری و خلاقیت از دانشجویان سال اول برتر هستند. از این یافته می توان احتمال داد که آموزش دانشگاهی نه تنها روحیه استقلال طلبی، کنترل درونی و انگیزه پیشرفت را در بین دانشجویان پرورش نداده است بلکه باعث کاهش آن شده است؛ ولی روحیه ریسک پذیری و قدرت خلاقیت آن ها را ارتقا بخشیده است که البته بر اساس جدول ۹ میزان این ارتقا معنی دار نیست. برای سنجش تفاوت بین قابلیت های کار آفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر، پنج متغیر مذکور در جدول ۹ مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین تفاوت ها از آزمون t استفاده شد. در جدول ۹ خلاصه نتایج این آزمون درج شده است.

جدول ۹. خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین روحیه‌ی کار آفرینی دانشجویان سال اول و آخر

متغیر	t	معنی داری
استقلال طلبی	-۰/۵۴	۰/۵۸
ریسک پذیری	-۱/۳۱	۰/۱۹
کنترل درونی	۲/۰۴	۰/۰۴
انگیزه پیشرفت	۲/۰۲	۰/۰۴
خلاقیت	-۱/۰۴	۰/۲۹

همان طور که در جدول ۹ مشهود است، تفاوت بین میزان استقلال طلبی، ریسک پذیری و خلاقیت دانشجویان سال اول و سال آخر معنی دار نیست ولی تفاوت بین میزان کنترل درونی و انگیزه پیشرفت آن ها معنی دار است. براساس میانگین های مندرج در جدول ۹ می توان استنباط کرد که میزان کنترل درونی و انگیزه پیشرفت دانشجویان سال اول به طور معنی داری بیش از دانشجویان سال آخر است که نتیجه ای بسیار قابل تأمل می باشد.

بررسی اختلاف بین دانشجویان پسر و دختر از نظر وجود روحیه‌ی کارآفرینی

در جدول ۱۰، میانگین، انحراف معیار و نتایج حاصل از آزمون t به منظور بررسی تفاوت بین روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی ارائه شده است:

جدول ۱۰. خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان پسر و دختر

متغیر	دانشجویان پسر (n=۱۱۸)		دانشجویان دختر (n=۲۰۲)		t	معنی داری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
استقلال طلبی	۴/۲۵	۱/۱۳	۳/۹۷	۱/۲۱	-۲/۰۳	۰/۰۴
ریسک پذیری	۴/۰۳	۱/۸۰	۳/۰۵	۱/۷۸	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
کنترل درونی	۷/۵۳	۲/۴۷	۷/۷۵	۲/۵۱	۰/۷۵	۰/۴۵
انگیزه پیشرفت	۱۷/۴۶	۴/۰۷	۱۷/۹۲	۳/۳۹	۱/۰۸	۰/۲۸
خلاقیت	۲۹/۵۵	۴/۵۹	۲۹/۳۱	۴/۹۲	-۰/۴۳	۰/۶۶

همان طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می شود، آزمون t نتایج زیر را نشان می دهد:

- تفاوت بین استقلال طلبی دانشجویان پسر و دختر معنادار است. بنابراین براساس میانگین های این دو گروه می توان گفت روحیه‌ی استقلال دانشجویان پسر به طور معنی داری بیش از روحیه‌ی استقلال طلبی دانشجویان دختر است.
- تفاوت بین ریسک پذیری دانشجویان پسر و دختر معنادار است. بنابراین براساس میانگین های محاسبه شده میزان ریسک پذیری دانشجویان پسر به طور معناداری بیش از دانشجویان دختر است.
- تفاوت معنی داری بین کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان پسر و دختر وجود ندارد.

بررسی اختلاف بین دانشجویان دانشکده های مختلف از نظر وجود روحیه‌ی کارآفرینی

به منظور بررسی اختلاف بین دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه رازی شامل دانشکده علوم، دانشکده فنی مهندسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده کشاورزی از آزمون ANOVA استفاده شد. خلاصه نتایج حاصل از این تحلیل در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۱. خلاصه نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه رازی

متغیر	مجموعه مجزورات		درجه میانگین مجزورات		معنی مجزوراتا	
	آزادی	مجزورات	آزادی	F	معنی داری	مجزوراتا
استقلال طلبی	۳	۲/۷۷	۰/۹۳	۰/۶۵	۰/۵۸	۰/۰۰۶
ریسک پذیری	۳	۱۸/۴۸	۶/۱۶	۱/۸۲	۰/۱۴	۰/۰۱۷
کنترل درونی	۳	۱۲/۸۴	۰/۹۵	۰/۱۵	۰/۹۳	۰/۰۰۱
انگیزه پیشرفت	۳	۵/۹۰	۱/۹۷	۰/۱۵	۰/۹۳	۰/۰۰۱
خلاقیت	۳	۱۰۰/۶۸	۳۳/۵۶	۱/۴۶	۰/۲۲	۰/۰۱۳

براساس جدول ۱۱، نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مربوط به مقایسه روحیه های کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه نشان می دهد که اختلاف معناداری بین دانشجویان علوم، فنی مهندسی، کشاورزی و الهیات و علوم انسانی از نظر این قابلیت ها وجود ندارد.

بررسی رابطه بین خود کارآمدی و روحیه کارآفرینی دانشجویان

به منظور بررسی رابطه بین میزان خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه رازی و میزان روحیه کارآفرینی آن ها و به منظور رعایت اصل احتیاط از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۱۲ ارایه شده است.

جدول ۱۲. رابطه بین خودکارآمدی و متغیرهای پنج گانه کارآفرینی

	استقلال طلبی		ریسک پذیری		کنترل درونی		انگیزه پیشرفت		خلاقیت	
	sig	r_s	sig	r_s	sig	r_s	sig	r_s	sig	r_s
خودکارآمدی	/۰۰۰	/۲۳	/۰۰۵	/۳۸	/۰۰۰	/۰۲۱	/۰۰۰	/۰۰۶	/۰۲۷	/۴

براساس جدول ۱۲، بین خودکارآمدی با استقلال طلبی، کنترل درونی و خلاقیت ارتباط مثبت و معنی داری حاکم است ولی این متغیرها متغیرهای ریسک پذیری و انگیزه پیشرفت ارتباطی ندارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به میزان وجود روحیه کارآفرینی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شد. بر اساس یافته های پژوهش، ۶۳/۱ درصد از پاسخگویان زن و ۳۶/۹ درصد مرد بودند. ۴۸/۴ درصد از افراد مورد مطالعه دانشجوی سال اول و ۵۱/۶ درصد دانشجوی سال آخر بودند. از لحاظ دانشکده محل تحصیل، دانشکده ادبیات با ۳۱/۵۶ درصد بیشترین تعداد پاسخگو و دانشکده کشاورزی با ۱۸/۷۵ درصد کمترین تعداد پاسخگو را در بر داشتند. دانشکده علوم با ۳۱/۲۵ و دانشگاه فنی مهندسی با ۱۸/۴۳ درصد از پاسخگویان را به خود اختصاص دادند.

با توجه به یافته های تحقیق، نزدیک به نیمی از دانشجویان دانشگاه رازی (۴۸/۱٪) از نظر میزان روحیه کارآمدی در سطح پایین قرار دارند. با توجه به مفهوم خودکارآمدی که همانا مقابله با موقعیت های چالش زاست (بندورا ۱۹۹۷)، دانشجویان دانشگاه رازی برای رویارویی با مشکلات در زندگی و استفاده از فرصت های پیش رو آماده نیستند. این یافته با تحقیقات شوارزر و بورن (۱۹۹۷) که روحیه کارآمدی را در بین دانشجویان کانادایی، ژاپنی و آلمانی در سطح بالا ارزیابی می کند، مطابقت ندارد. تحقیقات شرور و همکاران (۱۹۸۲) در رابطه با خودکارآمدی نشان داد که افراد با خودکارآمدی ضعیف فاقد این سه ویژگی هستند: پیش قدم بودن، تلاش و مقاومت. این بدان معناست که روحیه کارآفرینی که همانا نیازمند پیش قدم بودن، تلاش و استقامت است در بین دانشجویان دانشگاه رازی ضعیف است و لذا توصیه می شود در گام اول باور به خودکارآمدی در بین دانشجویان تقویت شود. یکی از راه های تقویت خودکارآمدی آموزش های خودگردان است. اعضاء هیات علمی دانشگاه رازی می توانند با ایجاد پروژه های مستقل و ایفای نقش تسهیل گری، دانشجویان را به این باور برسانند که آن ها می توانند در موقعیت های چالش زا موفق ظاهر شوند. مطالعات مولتون و همکاران (۱۹۹۱) نشان داده

است که خود کارآمدی بالا در بین دانشجویان، موجب پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی و توسعه‌ی حرفه‌ای شده است. دلایل احتمالی پایین بودن روحیه‌ی خودکارآمدی دانشجویان را می‌توان به روش‌های تدریس اعضاء هیات علمی و رابطه استاد دانشجو نسبت داد. چنانچه مدرسان دانشگاه قابلیت‌های دانشجویان را شناسایی کنند و در راستای تقویت این قابلیت‌ها تدریس نمایند، می‌توان امیدوار بود که روحیه‌ی خودکارآمدی دانشجویان افزایش یابد.

به منظور سنجش روحیه‌ی کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه رازی، از مقوله‌هایی نظیر روحیه‌ی استقلال طلبی، ریسک پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت استفاده شد. چنانچه بخواهیم نتایج این قسمت از پژوهش را براساس فراوانی و درصد گزارش کنیم، تصویر آن چنان مطلوبی از وضعیت موجود به دست نمی‌آید. به عنوان مثال، درصد ناچیزی از دانشجویان دانشگاه رازی را می‌توان به عنوان افرادی کاملاً استقلال طلب، ریسک پذیر، دارای کنترل درونی و با انگیزه پیشرفت بالا قلمداد نمود. این در حالی است که دانشجویان از لحاظ خلاقیت از وضعیت بهتری برخوردار هستند. هنگامی که برای هر یک از مقوله‌های پنج‌گانه کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، خلاقیت) نمره معیار محاسبه شد و روحیه‌ی کارآفرینی براساس نمره معیار مورد سنجش قرار گرفت نتایج بهتری به دست آمد. داده‌ها و یافته‌های مربوط نشان داد که نمرات روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه رازی از میزان متوسط نمره معیار بالاتر است و تفاوت به دست آمده براساس آزمون t در سطح $(P = 0/000)$ معنادار است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که روحیه‌ی کارآفرینی در زمینه‌های استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان دانشگاه رازی بالاتر از میانگین قرار دارد. این در حالی است که میانگین نمرات ریسک‌پذیری دانشجویان از میزان متوسط نمره معیار پایین‌تر است. نتایج حاصل از این بخش از تحقیق در راستای پژوهش‌های دراکر (۱۹۹۸)، شاین (۱۹۹۴) و یونستیگو (۲۰۰۲) است آنان خلاقیت را مهم‌ترین ویژگی کارآفرینان عنوان می‌کنند. هم‌چنین این نتایج با یافته‌های مک کلند (۱۹۹۶) که مهم‌ترین ویژگی کارآفرینان را استقلال طلبی و انگیزه پیشرفت بالا می‌داند و تحقیقات سولمون (۱۹۸۵) که انگیزه پیشرفت را از ویژگی‌های اصلی کارآفرینان می‌داند نیز هم‌خوانی دارد. پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹) که نشان دهنده نمرات بالاتر از حد میانگین دانش آموزان و یافته‌های احمد (۱۹۸۵) که اکثر دانشجویان را دارای منبع کنترل درونی می‌دانند نیز این مطلب تأیید می‌کنند. دلایل احتمالی بالاتر بودن نمرات روحیه‌ی کارآفرینی استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت از میانگین را می‌توان به مواردی چون برخورداری از شرایط محیطی، تجربه زندگی در خوابگاه، ارتباطات جامعه دانشگاهی، محیط اجتماعی، شرایط سنی و موقعیت سن جوانی ارتباط دارد. اما پایین بودن نمرات ریسک‌پذیری دانشجویان را می‌توان به دلیل آموزش‌های ناکارآمد در دانشگاه از یک سو و ناتوانی جامعه در پرورش فرهنگ ریسک‌پذیری از سوی دیگر عنوان کرد. به نظر می‌رسد برنامه‌های درسی موجود در دانشگاه‌ها بر انباشت محفوظات تأکید دارند تا مهندسی زندگی. لذا توصیه می‌شود مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها با راه‌اندازی دوره‌های کوتاه مدت در رابطه با شناسایی عوامل ریسک در راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک، دانشجویان را با ریسک و ریسک‌پذیری آشنا سازند. تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان سال اول و سال آخر به لحاظ کنترل درونی و انگیزه پیشرفت که از پژوهش حاضر نتیجه‌گیری شده، گویای این مطلب است که دانشجویان سال آخر بدون هیچ شک و تردیدی نسبت به دانشجویان سال اول از انگیزه پیشرفت و کنترل درونی پایین‌تری برخوردار بودند. پایین بودن نمرات انگیزه پیشرفت و کنترل درونی دانشجویان سال آخر را می‌توان به وابستگی دانشجویان به استادان و پایین بودن میزان روحیه‌ی خودکارآمدی نسبت داد. اعضاء هیات علمی دانشگاه رازی باید به این باور برسند که با در اختیار گذاشتن زمان مناسب و تسهیل‌گری مؤثر، روحیه‌ی خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت دانشجویان را جایگزین روحیه‌ی مدرک‌گرایی آنان نمایند. براساس داده‌ها و یافته‌های مربوط به این قسمت از مطالعه بین روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر دانشگاه رازی در زمینه استقلال طلبی، ریسک‌پذیری و خلاقیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های دانشگاهی در آموزش این ویژگی‌ها در دانشجویان مؤثر نبوده است. نتایج حاصل از این تحقیق با پژوهش‌های عزیزی (۱۳۸۲)، خدمتی توسل (۱۳۷۹) همخوانی دارد، ولی با پژوهش هزارجریبی (۱۳۸۲) همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد برنامه‌های درسی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است. این برنامه‌ها مبتنی بر تفکر همگرا و استاد-محور بوده و کمترین توجه به پرورش مهارت‌های کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری شده است. با توجه به نتایج این قسمت از مطالعه پیشنهاد می‌شود اقداماتی به منظور اصلاح و بازنگری در برنامه‌های درسی

دانشجویان برای ارتقای روحیه‌ی کار آفرینی صورت پذیرد و به دلیل پایین بودن ویژگی‌های کنترل درونی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان سال آخر، آموزش خودباوری و امید به آینده روشن تر برای تقویت این ویژگی‌ها ضروری است.

نتایج بررسی تفاوت روحیه‌ی کارآفرینی بین دانشجویان پسر و دختر نشان داد که پسران ریسک پذیرتر و مستقل تر از دانشجویان دختر هستند. دلایل احتمالی بالاتر بودن نمرات روحیه‌ی کارآفرینی و ریسک پذیری و استقلال طلبی پسران را می‌توان به مواردی نظیر شرایط محیطی و محیط اجتماعی نسبت داد. نتایج این مطالعه با تحقیقات هیسریچ و فولاپ (۱۹۹۴) همخوانی ندارد. آن‌ها در مطالعه خود دریافتند که زنان مجارستانی از روحیه‌ی استقلال طلبی بسیار بالایی برخوردارند. مطالعات میشل (۲۰۰۴) نیز نشان داد که زنان در کشور آفریقای جنوبی چنانچه شرایط راه اندازی کسب و کار کوچک را داشته باشند، به دنبال کسب استقلال خواهند بود. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که در طول تاریخ، دختران و یا زنان همیشه عقب تر از پسران و یا مردان نگه داشته شده‌اند. در جامعه مرد سالاری نظیر ایران، نمی‌توان انتظار داشت که دختران از ریسک‌پذیری و استقلال طلبی بالایی برخوردار باشند. این بدان علت است که شرایط محیطی به گونه‌ای تعریف شده است که دختران کمتر از پسران به ریسک‌پذیر بودن و استقلال تشویق می‌شوند، لذا آموزش جرأت‌ورزی و ابراز خود برای تقویت این ویژگی‌ها ضروری است. با تشویق و حمایت زنان در راه اندازی کسب و کارهای کوچک از طریق بنگاه‌های اقتصادی زود بازده می‌توان الگوهایی از زنان کارآفرین موفق بوجود آورد و جرأت و استقلال آنان را به نمایش گذاشت. مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها می‌توانند دانش‌آموختگان دختر را در ارائه طرح‌های تولیدی تشویق و حمایت کنند تا از این طریق و برای اولین بار نمونه‌هایی در سطح دانشگاه خلق شوند. آموزش در زمینه روش‌های ایجاد کسب و کار، نوشتن طرح‌های توجیهی، شناسایی دست‌اندازهای اداری و بالاخره ایجاد باور به خود کارآمدی از جمله فعالیت‌هایی است که مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها می‌توانند اقدام کنند.

نتایج بررسی اختلاف بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه رازی از نظر وجود روحیه‌ی کارآفرینی نشان داد که هیچ‌گونه اختلاف معنی‌داری از لحاظ ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشکده‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد دانشکده‌های دانشگاه رازی همگی در زمینه عدم توجه به پرورش روحیه‌ی کارآفرینی در بین دانشجویان به شیوه‌های یکسانی عمل می‌کنند. به منظور جبران این کمبود، توصیه می‌شود مرکز کارآفرینی دانشگاه رازی مواد درسی خود را متناسب با پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه انتخاب کند و به عنوان مثال آموزشگرانی انتخاب شوند که کارآفرین باشند حتی اگر مدارک آنان از درجات سیار بالایی برخوردار نباشند. مدرسان دانشگاهی با خواندن یک یا چند کتاب کارآفرینی نمی‌توانند یا کارآفرین کارآفرین تحویل جامعه دهند. به نظر می‌رسد آنچه که مدرسان کارآفرینی می‌توانند بدان تأکید کنند این است که تفکر (making a job) را جایگزین (taking a job) کنند. به عبارت دیگر روحیه‌ی کارساز را جایگزین شغل یابی کنند.

و بالاخره رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه رازی و میزان روحیه‌ی استقلال طلبی، کنترل درونی و خلاقیت که از پژوهش حاضر نتیجه‌گیری شده گویای اهمیت باور به خودکارآمدی به عنوان پیش‌نیاز استقلال طلبی، کنترل درونی و خلاقیت بالا می‌باشد. بنابراین ضرورت دارد به منظور تقویت روحیه‌ی خودکارآمدی و به تبع آن افزایش میزان روحیه‌ی استقلال طلبی، کنترل درونی، و خلاقیت، دانشجویان را با آموزش‌های در حد تسلط آشنا سازیم. شرر و همکاران (۱۹۸۲) براین باورند که مؤثرترین روش ممکن برای ایجاد روحیه‌ی خودکارآمدی استفاده از آموزش‌های تسلط یاب است. در چنین آموزش‌هایی، دانشجویان به بالاترین سطوح یادگیری که همانا قضاوت و ارزشیابی است، می‌رسند. در این سطح است که دانشجویان از نظریادگیری به حد تسلط می‌رسند.

فهرست منابع

- ارشدی، ج. ۱۳۶۷، *بررسی رابطه بین موفقیت شغلی معلمان و مرکز کنترل*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران.
- اسکندری، ف. ۱۳۸۵، *طراحی الگویی برای توسعه‌ی کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران*، رساله دکتری در رشته آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران.

- برومند نسب**، م. ۱۳۸۱، بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بدری، ا.**، **لیاقتدار، م.**، **عابدی، م.**، و **جعفری، ا.** ۱۳۸۵. بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰، صص ۷۳-۹۰.
- عزیزی، م.** ۱۳۸۲، بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- هزار جریبی، ج.** ۱۳۸۲، بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان علوم انسانی در عرصه‌ی نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران؛ رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- یارائی، ع.** (۱۳۸۳)؛ بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز؛ پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شیراز.
- Ahmad, S. U. (1985); "Risk- taking Personality, Focus on Control and Entrepreneurship"; Personality and Individual Difference, Vol. 6, pp. 781-782.
- Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. Psychological Review. 84: 91-215.
- Drucker, P. (1998), Innovation and Entrepreneurship, revised ed., Butterworth Heinemann, Oxford.
- Faris, S. (1999); "Seeking Entrepreneurial Origins: Are Entrepreneurs Born or Made?"; Available at: <http://www.celcee.edu/>.
- Gartner, B. (2002). Is there an elephant in entrepreneurship research? Blind assumptions in theory development. Entrepreneurship Theory and Practice 25 (4), 27- 40.
- Gartner, W. B. (1989). Some suggestions for research on entrepreneurial traits and characteristics. Entrepreneurship Theory and Practice, 14: 27-37.
- Henry, C., Hill, F. & Leitch, C. (2003). Entrepreneurship Education and Training, London, Ashgate Publishing Limited.
- Hisrich, R. H., & Peters, M. O. (1992). Entrepreneurship: starting, developing, and managing a new enterprise. Boston, MA: Irwin.
- Howard, S. (2004); "Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation"; University of South Florida Report, pp.3-17.
- Kirzner, I.M. (1979). Perception, Opportunity and Profit: Studies in the Theory of entrepreneurship, Chicago: University of Chicago Press.
- McClelland, D. (1961); The Achieving Society; Princeton: NJ, Van Nostrand.
- Postigo, S. (2002); "Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of Sananders University"; In Proceedings of the Conference Entitled, The Internationalizing in Entrepreneurship Education and Training; Malaysia.
- Rissal, R. (1992); A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia; EDD Dissertation. U.S.A.: George Washington University.
- Robbins, S. P. (1993). Organizational behavior (6th Ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Schein, E. H. (1994); "Entrepreneurs: What They're Really Like"; Vocational Education Journal, Vol. 64, No. 80, pp. 42-44.
- Schumpeter, J. (1934). The Theory of Economic Development. Harvard Univ. Press, Cambridge, MA.

Sexton, D. and Bowman-Upton, N. (1991). *Entrepreneurship: Creativity and Growth*. New York: Macmillan Publishing Company.

Solymossy, E. & J. Hisrish, (1998). *Entrepreneurial dimensions: the relationship of individual, Venture, and environmental factors to success*. Doctoral Dissertation, Case Western Reserve University, USA.

Archvie of SID